



تبیین و ارزیابی چگونگی بازتاب شاخص‌های هویت‌بخش معماری تیموری در بناهای معاصر

سه کشور شرق خراسان بزرگ، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان

لیلا زمانی آقایی^۱، حسین سلطان زاده^۲، شروین میرشاهزاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Zamani4326@mshdiau.ac.ir
^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

H72soltanzadeh@gmail.com

^۳ دکتری تخصصی، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

She.mirshahzadeh@iauctb.ac.ir

چکیده

هویت و معماری برخوردار از هویت ملی و منطقه‌ای مسئله‌ای است که در سال‌های اخیر و در همه کشورهای مورد توجه خاص قرار گرفته است. در شرایط کنونی و با وجود جریانانی که به دنبال معماری خودی هستند، تبیین چگونگی اثرپذیری آثار معماری معاصر از آثار معماری ماقبل خود به‌ویژه آن دسته از آثاری که در زمینه تاریخی-فرهنگی یکدیگر قرار دارند، بسیار مهم و حائز اهمیت است؛ لذا در این پژوهش با بررسی ویژگی‌های مهم و تأثیرگذار و اجزای درون‌متنی هویت‌ساز در سنت معماری تیموری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سنت‌های معماری در خراسان بزرگ و در کشورهای حوزه‌ی تمدنی آن و در بناهای شاخص این دوره در کشورهای مورد مطالعه، تلاش شده به‌صورت منسجم به بیان چگونگی و مراتب ارتباط میان سنت معماری تیموری با آثار معماری معاصر و بر اجزا و لایه‌های مختلف آن پرداخته شود. در این تحقیق به واسطه بررسی‌های کتابخانه‌ای و با مطالعه اسناد تاریخی و منابع متعدد دیگر، از روش تحقیق کیفی با استفاده از تدابیر چندگانه تحلیلی-توصیفی و روش تاریخی-تفسیری و روش مقایسه‌ای استفاده شده و جامعه آماری بناهای معاصر عمومی سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بناهای معاصر در این کشورها با تلاش به ترکیب لایه‌های مختلف در معماری بنا به برقراری مکالمه و ارتباط با سنت معماری تیموری پرداخته‌اند.

اهداف پژوهش

۱. بازشناسی شاخص‌های هویت‌بخش معماری تیموری در بناهای عمومی معاصر کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان.
۲. مقایسه چگونگی ارتباط در لایه‌های مختلف میان سنت معماری تیموری و آثار معماری معاصر در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان.

سوالات پژوهش

۱. بازتاب شاخص‌های هویت‌بخش سنت معماری تیموری در بناهای عمومی معاصر سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، چگونه است؟
۲. مراتب ارتباط در لایه‌های مختلف و میان سنت معماری تیموری و آثار معماری معاصر در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان چگونه تبیین می‌شود؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۴

دوره ۱۸

صفحه ۲۲۲ الی ۲۴۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

معماری معاصر، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، معماری تیموری.

ارجاع به این مقاله

زمانی آقایی، لیلا، سلطان زاده، حسین، میرشاهزاده، شروین. (۱۴۰۰). تبیین و ارزیابی چگونگی بازتاب شاخص‌های هویت‌بخش معماری تیموری در بناهای معاصر سه کشور شرق خراسان بزرگ، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان. هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۲۲۲-۲۴۱.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.44.18.3](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.227196.1228)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.227196.1228

مقدمه

چالش هویت و معماری برخوردار از هویت ملی و چگونگی بازگشت به هویت و ارزش‌ها و سنت‌های بومی و ملی به‌ویژه در معماری امروز از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا بررسی چگونگی ارتباط و تأثیرپذیری آثار معماری از سنت‌ها و چگونگی بهره‌گیری از راهکارهای معماری گذشته و تأثیر از سنت‌ها در معماری معاصر، در کشورهایی که به جهت پیشینه، دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر هستند، می‌تواند در ارائه راهکار، موثر و مناسب باشد.

کشورهای شرق خراسان بزرگ (آسیای میانه) از دیرباز یکی از مراکز مهم تمدنی جهان به شمار می‌آمده و نقش مهمی در شکل‌گیری و تحول آن در طول توسعه تاریخی و فرهنگی بازی کرده‌اند. بررسی پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که کشورهای این منطقه و به تبع آن معماری آنها تحت تأثیر دو سنت بزرگ معماری بوده و از این دو سرچشمه سیراب شده‌اند: معماری ایرانی - اسلامی و معماری روسی یا شوروی سابق، این امر خود باعث بروز جایجایی‌های متوالی میان اندیشه‌های نوگرا و سنت‌گرا، در دوره‌های متوالی بر معماری معاصر این کشورها بوده است. با این توضیحات به نظر می‌رسد، شناسایی چگونگی تجلی هویت ملی در آثار معماری معاصر این کشورها از طریق شناسایی نحوه ارتباط و اثرپذیری آثار از سنت‌های بومی می‌تواند راهگشا باشد. ضمن آنکه بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حوزه معماری تاکنون پژوهشی منسجم در خصوص بیان چگونگی ارتباط میان آثار معماری معاصر با آثار و سنت‌های ماقبل خود و تبیین چگونگی این ارتباط و شناخت تأثیر سنت‌های معماری بر آثار مختلف و بر اجزا و لایه‌های مختلف آن و میزان پیروی این آثار از اصول و رویکردهای شناخته شده در این خصوص و به صورت خاص در کشورهای آسیای مرکزی، انجام نپذیرفته است. بر این اساس این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این سوالات است که سنت معماری تیموری چگونه با آثار معماری معاصر در کشورهای شرق ایران بزرگ، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، ارتباط داشته و بر آن تأثیر گذاشته است؟ و مراتب این ارتباط در لایه‌های مختلف میان سنت معماری تیموری و آثار معماری معاصر در سه کشور مورد مطالعه چگونه تبیین شده است؟

در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق و مسئله و سؤالات مطرح شده در خصوص آن، از روش تحقیق کیفی با استفاده از تدابیر چندگانه، توصیفی-تحلیلی (به دلیل لزوم تحلیل و گونه‌بندی بناها)، روش تاریخی-تفسیری (به دلیل وجود داده‌هایی مربوط به گذشته) و روش مقایسه‌ای استفاده شده است. به این منظور در ابتدا با توجه به مطالعات انجام‌شده به شکل مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، رویکرد بینامتنیت به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب و بر این اساس جدول اجزای درون‌متنی معماری جهت ارزیابی و تعیین لایه‌های هویت‌ساز آثار موجود در سنت معماری تیموری در کشورهای مورد مطالعه، به روش تاریخی-تفسیری، تهیه شد. در مرحله بعد آثار معماری معاصر در سه کشور، با فرض وجود ارتباط بینامتنی با بناهای سنت معماری تیموری گزینش و اطلاعات آن‌ها نیز در جدول اجزای درون‌متنی قرار داده شده و بر اساس روش مقایسه‌ای، نوع اجزای درون‌متنی هویت‌ساز آن‌ها مشخص شد. در انتها و به منظور تدوین و مقایسه چگونگی ارتباط میان بناها مدل مفهومی تحقیق، بر اساس روش توصیفی-تحلیلی، تدوین شده و به این شکل به سؤال اصلی این پژوهش پاسخ داده خواهد شد.

مطالعاتی را که رویکرد آن‌ها یا داده‌های ارائه‌شده توسط آن‌ها می‌توانست به پیشبرد این مقاله کمک نماید، می‌توان به چند حوزه تقسیم کرد: الف) کتاب‌های تاریخ کلی یا تاریخ اجتماعی که به بیان وقایع تاریخی و سیمای اجتماعی و سیاسی این کشورها می‌پردازد. از جمله کتاب‌های ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان از مجموعه کتاب‌های چاپ‌شده توسط وزارت امور خارجه در ایران که به بررسی همه‌جانبه هریک از این کشورها می‌پردازد و کتاب *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز*، نوشته علیرضا شیخ عطار که توسط انتشارات وزارت امور خارجه به تبع رسیده و به بیان وقایع سیاسی و تاریخی این کشورها می‌پردازد. ب) کتب تاریخ معماری با تاکید ویژه بر تاریخ معاصر این کشورها همچون کتاب *Soviet Modernism* نوشته Isabella Marboe که تمامی آثار معماری شوروی سابق را در همه کشورهای این اتحادیه بررسی و ارائه کرده است. ج) کتب مرتبط با مفاهیم و ادبیات و نظریات ارائه‌شده در باب مفهوم بینامتنیت همچون *بینامتنیت زبان انتقادی* جدید نوشته گراهام آلن و کتاب‌های *نظریه‌های بینامتنیت* نوشته دکتر بهمن نامور مطلق و *بینامتنیت* نوشته گراهام آلن که در این کتاب‌ها به چگونگی پیدایش این نظریه و معرفی نظریه‌پردازان مهم پرداخته و در مواردی به کاربرد آن در نقد نیز اشاره می‌شود. د) رساله‌های دوره دکتری تخصصی؛ مثلاً رساله دکتری با عنوان «تبیین ارتباط‌های بینامتنی در معماری معاصر ایران از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰، بررسی نقش معماری غرب و معماری ایرانی در دوره معاصر» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، نگارش مازیار قاسمی‌نیا که به دنبال شناخت چگونگی ارتباط میان معماری غرب و معماری معاصر ایران از طریق مناسبات بینامتنی است یا رساله دکتری با عنوان «استفاده و اقتباس از گذشته در طراحی معماری به‌سوی یک مدل طراحی تکاملی» در دانشگاه دلفت هلند، نگارش کارینا مورا رززار که در تلاش برای کمک به استفاده مجدد و خلق طرح‌های پیشین معماری با معرفی یک مدل جدید است.

ه) رساله‌های دکتری در دانشگاه‌های روسیه و کشورهای مورد مطالعه و مقالات علمی و پژوهشی مرتبط با معماری معاصر این کشورها و سایر مقالات مرتبط با این موضوع که در نشریات معتبر به چاپ رسیده است. از جمله *Modern architecture in Uzbekistan* که به بیان ویژگی‌های دوره‌های معماری معاصر و بیان خصوصیات کلی بناها می‌پردازد یا *The way of the development of architecture of independent Uzbekistan* که به بررسی و تجزیه و تحلیل توسعه‌ی معماری و شهرسازی ازبکستان از دوران باستان تا قرن ۲۱ با هدف ارائه توصیه‌های علمی برای بهبود ساختار شهر می‌پردازد و *Architecture in Europe and the former Soviet union* که به بررسی تحولات و دگرگونی‌های مشترک در زبان معماری و بناهای این کشورها می‌پردازد که نتیجه تغییرات سیاسی و تاریخی این منطقه است.

همانگونه که اشاره شد، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه معماری تاکنون مطالعه‌ای منسجم در خصوص بیان چگونگی ارتباط میان آثار معماری معاصر با آثار و سنت‌های ماقبل خود و تبیین چگونگی این ارتباط و شناخت

تأثیر سنت‌های معماری بر آثار مختلف معماری معاصر و اجزا و لایه‌های مختلف آن و به صورت خاص در کشورهای آسیای مرکزی، انجام پذیرفته است.

از آنجا که این پژوهش تلاش می‌کند چگونگی بازتاب سنت معماری تیموری را در آثار معماری معاصر کشورهای شرق خراسان بزرگ بررسی کند؛ لذا سنت معماری تیموری در این مقاله، به‌عنوان متغیر مستقل و معماری معاصر کشورهای شرق خراسان بزرگ (ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان) به‌عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است. شناخت لایه‌ها و اجزای درون‌متنی مهم و هویت‌ساز سنت معماری تیموری و اجزای آن به‌عنوان زیرمجموعه متغیر مستقل این پژوهش بوده و آثار معماری معاصر از باب بازتاب این سنت‌ها نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌های متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود؛ از این‌رو ابتدا معماری تیموری به‌عنوان متغیر مستقل بررسی و به تبیین ویژگی‌های شاخص آثار معماری این دوره پرداخته شده سپس اجزای درون‌متنی معماری و نحوه تدوین آن در این پژوهش و رویکرد مقاله و مدل مفهومی تحقیق بررسی خواهد شد.

۱. معماری تیموری و مشخصات آن

منظور از معماری تیموری، نمودهای هنری در چارچوب تاریخی حکومت تیمور و جانشینان او (در ربع آخر قرن ۱۴ و اوایل قرن ۱۵ میلادی) و در محدوده جغرافیایی شامل قلمروهای کنونی کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، افغانستان و شرق ایران یا به عبارتی دیگر شامل بخش عمده حوزه تاریخی و فرهنگی است که امروزه آسیای میانه نامیده می‌شود (چنکووا، ۱۳۸۷: ۱۴).

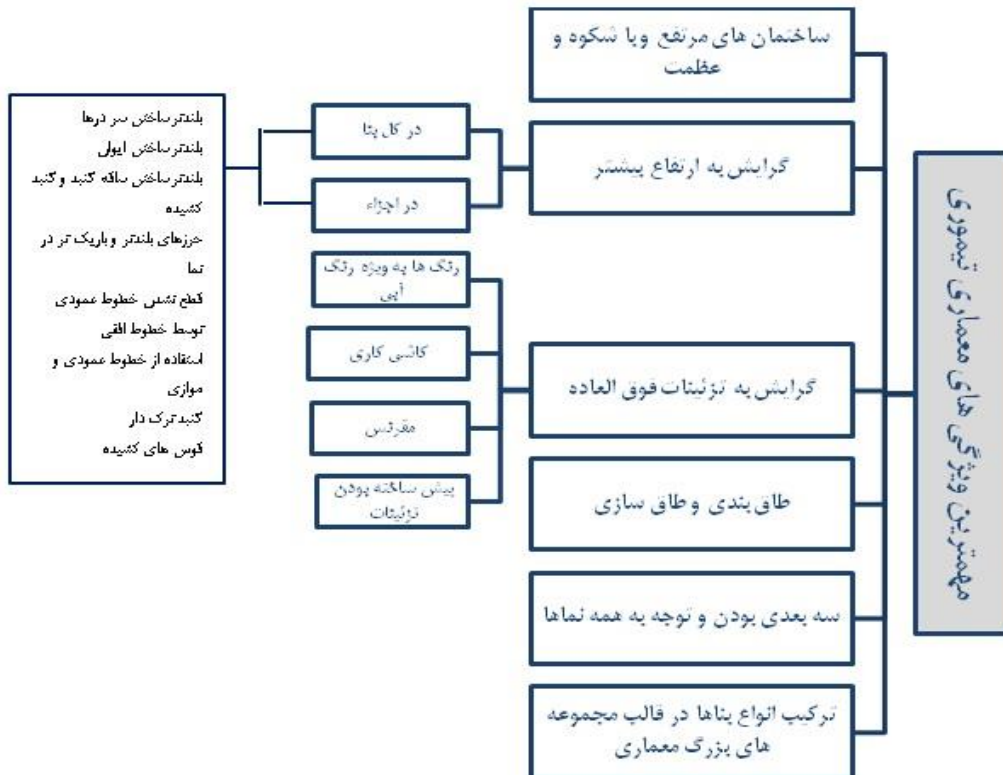
مرور اسناد تاریخی نشان می‌دهد که میان یورش مغول (در سال ۶۱۴ ق/۱۲۱۷ م) و از سرگیری و شکوفایی فعالیت‌های معماری در دوره غازان خان (سال ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)، فنون و بسیاری از هنرهای متداول رفته‌رفته فراموش شده و این خود فرصتی برای ظهور و رشد شیوه‌های جدید و خلاقیت در فعالیت‌های معماری پدید آورد. با وقوع حملات تیمور نیز، آهنگ فعالیت‌های ساخت و ساز به یکباره کند نشده ضمن اینکه بخش بزرگی از این مناطق نیز از ویرانی حمله تیمور مصون ماندند؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های معماری تیموری داشتن ریشه‌های عمیق در سنت‌های پیش از خود است. معماری که در شهرهای ماوراءالنهر و خراسان جریان داشت، نظامی منسجم و تلفیقی مستحکم بود که در آن درخشان‌ترین موفقیت‌های گذشته با سهم خلاق حال غنی‌تر می‌شدند و این چنین بود که این معماری به‌حدی بی‌سابقه از کمال نائل شد. در این دوره نیز مناطق مورد توجه دربار و حکومت رونق یافت و این امر به‌طور قطع، بی‌توجهی به سایر مناطق را دربر داشت. از مهم‌ترین مناطق مورد توجه تیمور خراسان بود که در آن نوعی سبک سلطنتی تیموری پدید آمد (هیلنبرند، ۱۳۸۷).

با این توضیحات، نداشتن خصلت محلی، تمرکز فعالیت‌های ساخت‌وساز در پایتخت و شهرهای مرکزی مورد توجه تیمور و تأثیر متقابل سنت‌های معماری مناطق مختلف امپراتوری بر یکدیگر از ویژگی‌های مهم معماری تیموری است. آنگونه که گالینا آ. پوگا چنکووا در کتاب شاهکارهای معماری آسیای میانه ادعا می‌کند، معماری تیموری برتری خود را نسبت به معماری عصر پیشین دقیقاً به همین برهم‌کنش‌ها و تقابل‌ها مدیون است (چنکووا، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

نکته دیگری که در بیان مشخصات معماری تیموری باید به آن اشاره کرد، سلیقه و هدف تیمور در ایجاد ساختمان‌های مرتفع و باشکوه به منظور بیان قدرت و عظمت و ضمناً سرعت بالا در ایجاد بناهاست. در واقع ماموریت معماری تیموری، گواهی دادن بر عظمت امپراتوری، تعرض ناپذیری دین اسلام و ثروت بی‌اندازه شاهان و بزرگان بود؛ مأموریتی که این معماری با قدرت اشکال، وسعت ابعاد و شکوه تزئینات به انجام رسانید. نکته مهم دیگر در خصوص معماری این دوره این است که معماری تیموری به هیچ عنوان معماری تثبیت شده نیست و در دستاوردهای خود منجمد نشده است؛ بلکه مدام در حال تحول بوده است (چنکووا، ۱۳۸۷: ۱۰۶ و ۱۰۷).

با این توضیحات مهم‌ترین خصوصیات معماری تیموری را می‌توان در نمودار زیر خلاصه کرد.

نمودار شماره ۲؛ مهم‌ترین ویژگی‌های معماری تیموری، ماخذ: نگارندگان



۲. اجزای درون‌متنی در معماری (معماری به‌مثابه متن)

سوال مهمی که در راستای پرسش اصلی این پژوهش مطرح می‌شود، این است که اگر روابطی میان آثار معماری وجود دارند، چه چیزی سازنده این روابط است؟ آیا می‌توان معماری را به‌مثابه یک متن دانست و مورد بررسی قرار داد؟ به

عبارت دیگر با بررسی چه عناصر و اجزایی از متن معماری (اجزای درون‌متنی) امکان بررسی ارتباط میان آثار معماری وجود خواهد داشت؟

نخستین نکته‌ای که با شنیدن واژه متن و برابر لاتین آن Textus، به یاد می‌آید، متن نوشتاری است. بسیاری از ناقدان حتی زمانی که متن را به آثار گسترش می‌دهند، باز پایه اصلی متن را متن نوشتاری می‌دانند. بررسی تعاریف ارائه‌شده در خصوص متن و گسترش این تعاریف نشان می‌دهد که می‌توان به تعریف جامعی از متن رسید. متن ثبت هرگونه سخن است در نظام نوشتاری (دیداری، فضایی، گرافیک) و نظام آوایی و به گونه‌ای کلی در هر نظام نشانه‌شناسی یا در ترکیبی از این نظام‌ها (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۱۵) و با این تعریف می‌توان معماری را نیز به مثابه یک متن دانسته و بررسی کرد.

جفری کیپنس^۴ در گفتگو با پیتر آیزمن^۵ در شماره ۲۸ نشریه لاگ^۶، از خوانش یک اثر معماری در ارتباط با اثری دیگر و نیاز به مجموعه‌ای از مناسبات میان‌متنی در معماری سخن می‌گوید تا معماران نیازمند به کاربرد استعاره‌هایی از دیسپلین‌های دیگر برای گفتگو در کارهای خود نباشند. براین اساس و از نظر وی، آثار معماری دیگر آثاری منفرد نبوده، بلکه در ارتباط با آثار دیگر هویت پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر هر اثر معماری در شبکه‌ای از آثار معماری تعریف شده و با آن به گفتگویی همیشگی می‌پردازد (روحی، ۱۳۹۳).

خوانش یک اثر معماری در ارتباط با اثری دیگر، نیاز به مجموعه‌ای از مناسبات میان‌متنی در معماری دارد. برای رسیدن به این اجزا در تحقیق، ابتدا منابع متفاوتی بررسی و تعدادی از مؤلفه‌ها و اجزای معماری شناسایی شد. در مرحله بعد و به منظور رسیدن به یک جدول منسجم از اجزای درون‌متنی معماری، تمامی مؤلفه‌ها در جدولی، در دو شاخه اصلی «مضمون و صورت» تقسیم‌بندی و سپس در حوزه مضمون، زیرشاخه مفاهیم فرمی و در حوزه صورت، چهار زیرشاخه اصلی حجم، پلان، نما و جزئیات، سازماندهی و سایر مؤلفه‌ها در ذیل آن قرار داده شد. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که امکان دارد کلیدواژه‌های نام‌برده‌شده در این پژوهش، به دلیل وسعت زیاد اطلاعات و محدودیت منابع تحقیق دارای نواقصی باشد (جدول شماره ۲)؛ بنابراین در این پژوهش، مشخص کردن عناصر سازنده متن معماری و جدول اجزای درون‌متنی، اولین گام در تحلیل روابط میان آثار معماری و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان یک متن معماری را با تکیه بر روابط موجود در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

^۴ Jeffrey Kipnis

^۵ Peter Eisenman

^۶ Log

جدول ۲: اجزای درون‌متنی یک اثر معماری

مضمون		صورت (شکل)	
مفاهیم فرمی (نمادین)	بصری - زیبایی شناسی	فرم	فرم پایه ساختار فرم (کل به جزء / جزء به کل) الگوی فضایی/سازماندهی
	معنایی - مفهومی		
حجم (الگوی اصلی فرم)	هندسه	پلان	شکل پایه ساختار پلان (افزایشی / کاهش / متداخل) الگوی هندسی
	ابعاد و تناسبات		ابعاد و تناسبات
نما	هندسه	نمای	سلسله مراتب (افقی) محورها تقارن/عدم تقارن توازن و تعادل هماهنگی
	ابعاد/تناسبات/مقیاس		خواص ذاتی شکل
سایر جزئیات	خواص ذاتی نما	سایر جزئیات	سلسله مراتب (عمودی) محور تقارن/عدم تقارن وحدت و هماهنگی عناصر نما ریتم / تکرار صلبیت / شفافیت
	گنبد طاق و قوس ستون سردر (پیشخان/جلوخان) برج / مناره بازشوها نمادها		تزیینات مصلح
	نوع مصلح هندسه رنگ مکان استقرار (قرارگیری) نوع نوع/محل استفاده		

اجزای درون‌متنی معماری

۳. بینامتنیت، ابزاری جهت خوانش آثار معماری

بررسی و شناخت چگونگی ارتباط و تأثیرپذیری آثار معماری از سنت‌های پیشین و شناخت چگونگی تأثیر این سنت‌ها بر معماری معاصر، بی‌شک نیازمند روش و ابزاری جهت نقد و خوانش این آثار و تدوین چارچوبی جهت گفتگو در این زمینه است. بینامتنیت به‌عنوان رویکردی مهم در نقد که به بیان نحوه تأثیر متن‌ها در شکل‌گیری یکدیگر یا درک و دریافت و خوانش آن‌ها می‌پردازد، در حوزه معماری تاکنون به‌صورت یک روش نقد و تحلیل به‌شکلی منسجم تدوین نشده است. در صورتی که با استفاده از این رویکرد می‌توانیم آثار معماری را در ارتباط با سایر آثار در نظام معماری و حتی در سایر نظام‌ها بخوانیم.

بینامتنیت از نظریه‌های بزرگ قرن بیستم است که نگرش نوینی در زمینه رابطه متن‌ها ارائه داده و به تعامل و جاذبه میان متنی می‌پردازد. در قرن بیستم یولیا کریستوا^۱ بهره‌گیری از فضای فکری و فرهنگی اروپای غربی به این تعریف دست یافت (نامورمطلق، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۳). گرچه کریستوا را به‌درستی بنیان‌گذار بینامتنیت می‌دانند، اما در واقع، بینامتنیت دستاورد یک فرد نیست؛ بلکه نتیجه جریان‌ها و کوشش شخصیت‌هایی است که مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند (همان: ۲۵). گرچه با سپری شدن پارادایم ساختارگرایی نظریه بینامتنیت رقبای تازه‌نفسی پیدا کرد اما توجه به بینامتنیت همچنان در غرب تداوم یافت و گرایش‌های نوینی از آن برخاست. مطالعات بینامتنی در ایران، هم با تأخیر آغاز شد و هم به یک جریان محدود گشت. حتی می‌توان گفت نوعی بینامتنیت ایرانی که بیشتر به نقد منابع شباهت دارد، در ایران شکل گرفت.

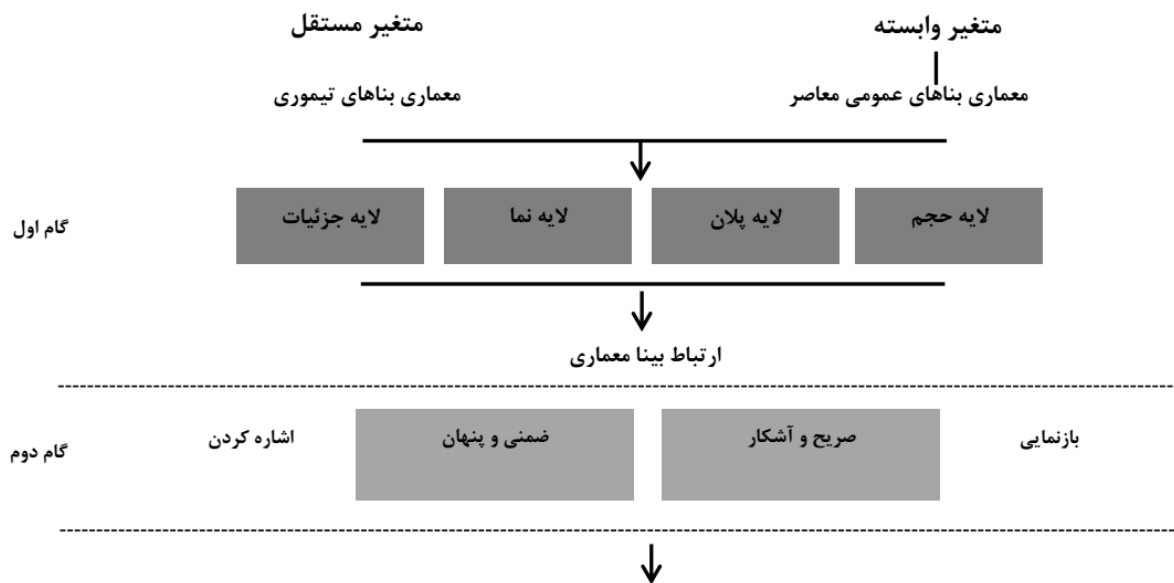
نکته مهم دیگر در مفهوم بینامتنیت، بررسی چگونگی ارتباط میان دو یا چند متن و عناصر آن‌هاست. نظریه‌پردازان مختلفی که به مبحث بینامتنیت پرداخته‌اند، هریک به بیان مراتبی از بینامتنیت و چگونگی ارتباط میان متون پرداخته و گونه‌ای خاص از روابط بینامتنی را مطرح کرده‌اند که در این مقاله و در راستای رسیدن به پاسخ مناسب برای پرسش اصلی تحقیق، تعاریف ارائه‌شده توسط ژنی در خصوص بینامتنیت مورد استفاده و تأکید قرار گرفته است. ژنی در تعریف خود از بینامتنیت، براساس شاخص آشکارشدگی یا پنهان‌سازی دو گونه بینامتنی را تعریف می‌نماید: بینامتنیت صریح و آشکار و بینامتنیت ضمنی و پنهان. در بینامتنیت صریح و آشکار می‌توان به‌راحتی عناصر بینامتنی را شناسایی کرد؛ زیرا صریح و روشن هستند. در بینامتنیت ضمنی و پنهان، درست برعکس حالت پیشین، نمی‌توان به‌راحتی متوجه رابطه هم‌حضور دو متن شد و برای شناخت عناصر هم‌حضور باید تخصص داشت و تلاش کرد.

^۱ Julia Kristeva

۴. مدل مفهومی تحقیق

در این مرحله و براساس تعاریف ارائه‌شده و چگونگی ارتباط میان متون، مدل مفهومی این پژوهش شکل گرفت. در این تحقیق، این مدل به غیر از اینکه روابط میان متغیرها را مشخص می‌کند، در راستای مقایسه و بیان ارتباط میان یک اثر معماری با آثار دیگر و به نوعی کاربردی ساختن این نظریات در حوزه معماری، طراحی شده است. بدین منظور در ابتدا و با توجه به هدف اصلی تحقیق که بررسی چگونگی ارتباط و بازتاب سنت معماری تیموری در بناهای معاصر سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان است، متغیرهای مستقل و وابسته، براساس مفاهیم بیان‌شده در جدول شماره ۲، به لایه‌های حجم، پلان و نما و جزئیات تقسیم شد. پس از آن، بررسی ارتباط آثار براساس تعریف ارائه شده از روابط بینامتنی و نوع ارتباط بین دو متن معماری به صورت، بینامتنیت صریح و آشکار یا بینامتنیت ضمنی و پنهان بررسی خواهد شد. به کمک مدل مفهومی تعریف‌شده، تحلیل اینکه ارتباط میان آثار معماری مورد مطالعه، کدامیک از مراتب و اجزای معماری را دربر می‌گیرد و در کدامیک از لایه‌ها این ارتباط بیشتر و قوی‌تر است، ممکن خواهد شد.

نمودار ۱، مدل مفهومی تحقیق



۵. تبیین مؤلفه‌های هویت بخش معماری تیموری در بناهای معاصر ازبکستان، تاجیکستان و

ترکمنستان

در این بخش، نحوه خوانش دو اثر (متن) در نظام نشانه‌شناسانه معماری و عناصر و اجزای آنها و مقایسه نحوه ارتباط آنها با یکدیگر به منظور رسیدن به پاسخی مناسب برای سؤال اصلی این پژوهش بررسی می‌شود. نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد، این است که تمرکز این پژوهش بر اثر معماری به عنوان یک متن و اجزای درون‌متنی آن بوده؛ بنابراین

سایر عواملی که خارج از متن قرار دارند، نظیر عوامل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و ... بررسی نشده و در حوزه این پژوهش قرار نخواهند گرفت.

در ابتدا با استناد به اطلاعات و اسناد موجود، به ویژه کتاب شاهکارهای معماری آسیای میانه، سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی، آثار شاخص دوره تیموری در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، شناسایی (جدول ۳) و اطلاعات مربوط به آن‌ها در جدول عناصر و اجزای درون‌متنی معماری قرار داده شد تا مهم‌ترین لایه‌های اجزای درون‌متنی آثار شاخص تیموری استخراج شود. از آنجا که درصد فراوانی بالا و پایین به ترتیب نشان‌دهنده بیشترین و کمترین سهم یک شاخص در تبیین هویت معماری بناها در دوره تاریخی موردنظر است، شاخص‌های تبیین‌کننده هویت معماری دوره تیموری شناسایی شد. براین اساس مهم‌ترین لایه‌ها و اجزای درون‌متنی در این بخش عبارت بودند از:

- در لایه حجم فرم مکعب مستطیل، درصد فراوانی بالا و به تبع آن سهم اصلی را در تبیین هویت معماری این آثار دارند. در خصوص الگوی فضایی احجام نیز سازه‌هایی با گنبد مرکزی درصد بالایی را به خود اختصاص داده‌اند.



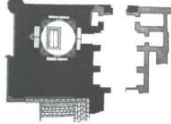


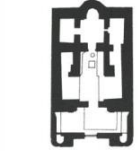


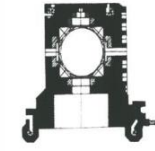

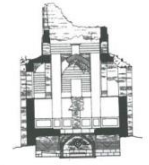
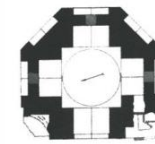

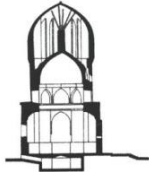
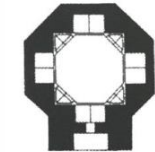


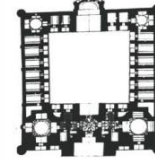


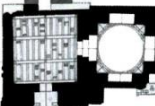


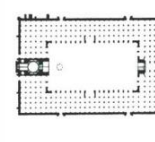
- داشتن پلان با هندسه و شکل پایه مستطیل (مربع مستطیل) و الگوی سازماندهی مرکزگرا و اصولی همانند داشتن تقارن، محور و سلسله‌مراتب افقی را می‌توان به‌عنوان شاخص‌های مهم در تبیین هویت بناهای معماری تیموری در لایه صورت (شکل) و شاخص پلان برشمرد.

- در لایه صورت (شکل) و شاخص نما، می‌توان نتیجه گرفت که داشتن هندسه با شکل پایه مستطیل عمودی و دارای سلسله‌مراتب (عمودی)، تقارن، محور و ریتم در نما و خصلت صلبیت، شاخص‌های مهم هویت نما در آثار معماری دوره تیموری هستند.

- در لایه صورت (شکل) و شاخص جزئیات، عناصر معمارانه، داشتن گنبد، با ویژگی ساقه بلند و رنگ آبی، داشتن طاق و قوس در بنا و استفاده از مقرنس و گوشوار به‌عنوان تزئین در بنا و همچنین تزئینات کتیبه‌ای، هندسی و گیاهی، از شاخص‌های مهم بیان‌کننده هویت بناهای تیموری در لایه جزئیات است.

جدول شماره ۳؛ بناهای شاخص معماری تیموری در سه کشور مورد مطالعه، ماخذ: کتاب شاهکارهای معماری آسیای میانه

ردیف	نام بنا	پلان	نما یا مقطع	تصویر	توضیحات
۱	آرامگاه شادی ملک آغا				شهر: افراسیاب، سمرقند. معماران: بدرالدین و شمس‌الدین سمرقندی و زین‌الدین بن بخارایی. زمان ساخت: قرن چهاردهم.
۲	آرامگاه تعلق تکین				شهر: افراسیاب، سمرقند. معمار: - زمان ساخت: قرن چهاردهم.
۳	آرامگاه اوستا نسفی				شهر: افراسیاب، سمرقند. معمار: علی نسفی. زمان ساخت: قرن چهاردهم.
۴	آرامگاه امیرزاده				شهر: افراسیاب، سمرقند. معمار/بانی: - زمان ساخت: قرن چهاردهم.
۵	آرامگاه شیرین بیگ آغا				شهر: افراسیاب، سمرقند. معمار/بانی: - زمان ساخت: قرن چهاردهم.
۶	آرامگاه تومان آغا				شهر: افراسیاب، سمرقند. معمار/بانی: -/ تومان آغا همسر تیمور زمان ساخت: ۱۴۰۵.
۷	آرامگاه هشت ضلعی				شهر: افراسیاب، سمرقند. نوعی کلاه فرنگی است که گورخانه ای را می پوشاند.
۸	آرامگاه قاضی زاده رومی				شهر: افراسیاب، سمرقند. این بنا بر روی گور این اخترشناس بنا شده و شامل یک گورخانه و زیارتخانه و چهار حجره است.

شهر: شهر سبز. معماری: معماری خوارزمی زمان ساخت: ۱۳۸۰-۱۳۹۲ م.				آرامگاه جهانگیر (حضرت امام)	۹
شهر: بخارا. معماری: معماری خوارزمی / تیمور. زمان ساخت: ۱۳۸۵-۱۳۸۰ م. مزار روی چشمه ای منسوب به ایوب پیامبر (ع) بنا شده است.				آرامگاه چشمه ایوب	۱۰
شهر: سمرقند. معماری: گروهی از معماران سمرقند/تیمور. زمان ساخت: ۱۳۹۹-۱۴۰۴ م.				مسجد بی بی خانم	۱۱
شهر: سمرقند. معماری: - / ملک خانم (همسر تیمور). زمان ساخت: ۱۴۰۰ م. زیر تالار اصلی با طاق بلند، گورخانه ای با سه تابوت قرار دارد.				آرامگاه بی بی خانم	۱۲
شهر: سمرقند. معماری: - / تیمور زمان ساخت: اواخر قرن چهاردهم. تیمور در اصل این مجموعه را برای نوه محبوبش محمدسلطان طراحی کرد.				گور امیر	۱۳
شهر: بخارا. معماری: اسماعیل بن طاهر اصفهانی / الغ بیگ زمان ساخت: ۱۴۱۷ م.				مدرسه الغ بیگ (بخارا)	۱۴
شهر: شهر سبز. معماری: - / الغ بیگ. زمان ساخت: ۱۴۳۵ م. این مسجد، مسجد جامع شهر سبز است که نام شاهرخ و بر روی شالوده قدیمی بنا شده است.				مسجد گوگ گنبد	۱۵
شهر: بخارا. معماری: - زمان ساخت: نیمه اول قرن پانزدهم. این مسجد در مرکز بخارا به همراه مناره کلان و مدرسه میرعرب مجموعه پای منار نامیده می شود.				مسجد کلان	۱۶

شهر: سمرقند. معماریاتی: - / بیگم حبیب سلطان. زمان ساخت: ۱۴۶۴ م. این مقبره، آرامگاه زنان و کودکان خاندان تیموریان است.				آرامگاه عشرت خانه	۱۷
شهر: سمرقند. معماریاتی: - زمان ساخت: نیمه دوم قرن پانزدهم. این مقبره، آرامگاه مردان خاندان تیموریان سمرقند و در مجاورت گور امیر است.				آرامگاه آق سرای	۱۸

پس از شناخت مهم‌ترین لایه‌های اجزای درون متنی در آثار شاخص معماری دوره تیموری، به منظور بررسی انواع، گونه‌ها و نحوه ارتباط بناهای معاصر معماری با آثار معماری دوره تیموری، در ابتدا بناهای عمومی معاصر در این کشورها از کتاب *Soviet Modernism 1955-1991: Unknown History* شناسایی (تعداد ۶۵ بنا با کاربری‌های مختلف) و سپس با توجه به هدف تحقیق، از میان آنها تنها بناهایی با کاربری عمومی، کافه، موزه، نمایشگاه، بناهای خاص مانند سیرک و حمام، انتخاب و پس از آن بر اساس فرض وجود ارتباط بینامتنی با بناهای معماری دوره تیموری، در نهایت تعداد ۱۵ بنای معاصر در ازبکستان، ۶ بنا در تاجیکستان و تعداد ۵ بنا در ترکمنستان، انتخاب و به‌عنوان جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. سپس اطلاعات مربوط به بناهای جامعه آماری در جدول اجزای درون‌متنی وارد و میزان ارتباط هر بنا با بناهای دوره تیموری در لایه‌های مختلف، براساس نزدیکی به شاخص‌های هویت‌بخش تعیین شده در بخش پیشین، مشخص شده و سپس چگونگی ارتباط بینامتنی در لایه‌های مختلف در مدل مفهومی تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت. با توجه به محدودیت‌های پیش‌رو و برای روشن شدن این موضوع در زیر تنها جداول مربوط به یک بنای نمونه آورده شده است.

جدول شماره ۴؛ جدول اجزای درون‌متنی، بررسی میزان ارتباط سیرک تاشکند با بناهای دوره تیموری در لایه‌های مختلف

سیرک تاشکند - تاشکند		شکل پایه -	شکل پایه	
		خواص ذاتی *	خواص ذاتی	
		گنبد *	گنبد	
		نقوش هندسی *	نقوش هندسی	
		نقوش گیاهی *	نقوش گیاهی	
		تزئینات گچی *	تزئینات گچی	

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که برقراری ارتباط (مکالمه) میان سنت معماری تیموری با نمونه بناهای گزینش شده در دوره معاصر در سه کشور وجود دارد. این ارتباط بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در لایه‌های پلان، نما، عناصر معمارانه، جزئیاتی نظیر نقوش هندسی و گیاهی و عناصری مانند طاق و قوس و تزئینات گچی و مقرنس وجود دارد. در نهایت و به منظور شناسایی نوع ارتباط بینامتنی در بناها، لایه‌های دارای مشابهت در مدل مفهومی تحقیق ارزیابی شدند. براین اساس این ارتباط در بیشتر موارد از نوع ارتباط صریح و آشکار و به شکل ارجاع به معماری تیموری است و تنها در سه اثر ارتباط به صورت غیرمستقیم یا استعاری و آن هم به جز در لایه تزئینات به چشم می‌خورد. نکته دیگر آن است که این ارتباط، با اولویت لایه نما، پلان، تزئینات، میان این بناها مشاهده می‌شود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که این بناها با تلاش به ترکیب لایه‌های مختلف به برقراری مکالمه یا ارتباط بینامتنی قوی با سنت معماری تیموری پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

انگیزه اصلی از انجام این پژوهش، بررسی چگونگی بازتاب سنت معماری تیموری در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، در بناهای معاصر عمومی این کشورهاست. در واقع هدف، نحوه خوانش دو اثر (متن) در نظام نشانه‌شناسانه‌ی معماری و عناصر و اجزای آنها و ارتباط آنها با یکدیگر و به عبارتی، تبیین چگونگی ارتباط میان آثار معماری با یکدیگر است که در نهایت منجر به خوانش این آثار خواهد شد. بدین ترتیب و با کمک رویکرد بینامتنیت که ارتباط میان یک متن با متن دیگر را بررسی می‌کند، تلاش شده تا معادل معماری آن یعنی بینامعماری نیز تعریف و در نمونه‌های موردی بررسی شود. به این منظور از طریق تحلیل نمونه‌های موردی در قالب لایه‌های «نقد بینامعماری» که اساساً منطبق و در راستای هدف اصلی تحقیق انجام پذیرفته است، در جستجوی پاسخی مناسب برای سؤال اصلی پژوهش شدیم. نمونه‌های موردی در این تحقیق به صورت هدفمند و با فرض ارتباط (مکالمه) با سنت معماری تیموری انتخاب شدند. هریک از این آثار منتخب معاصر در ارتباط با آثار گزینش‌شده مورد بحث، ابتدا در جدول اجزای درون‌متنی و سپس در مدل مفهومی تحقیق مورد خوانش قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از بررسی چگونگی ارتباط بینامتنی در بناهای شاخص معماری تیموری با بناهای عمومی معاصر سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان نشان داد که:

- تلاش برای برقراری مکالمه در سه کشور مورد مطالعه میان معماری معاصر با آثار معماری تیموری وجود داشته است.

- بررسی ارتباط در مدل مفهومی نشان می‌دهد که تقریباً در تمامی نمونه‌های مورد بررسی، به غیر از ۳ بنا در ازبکستان و دو بنا در دو کشور دیگر، ارتباط بینامتنی از نوع صریح و آشکار و به شکل ارجاع به عناصر این سنت معماری بوده است. ارتباط ضمنی و پنهان در لایه جزئیات بروز کرده است و به نظر می‌رسد در آثار معماری معاصر تلاش شده به بازآفرینی و ایجاد شکلی تازه در این لایه‌ها به صورت محدود شده است.

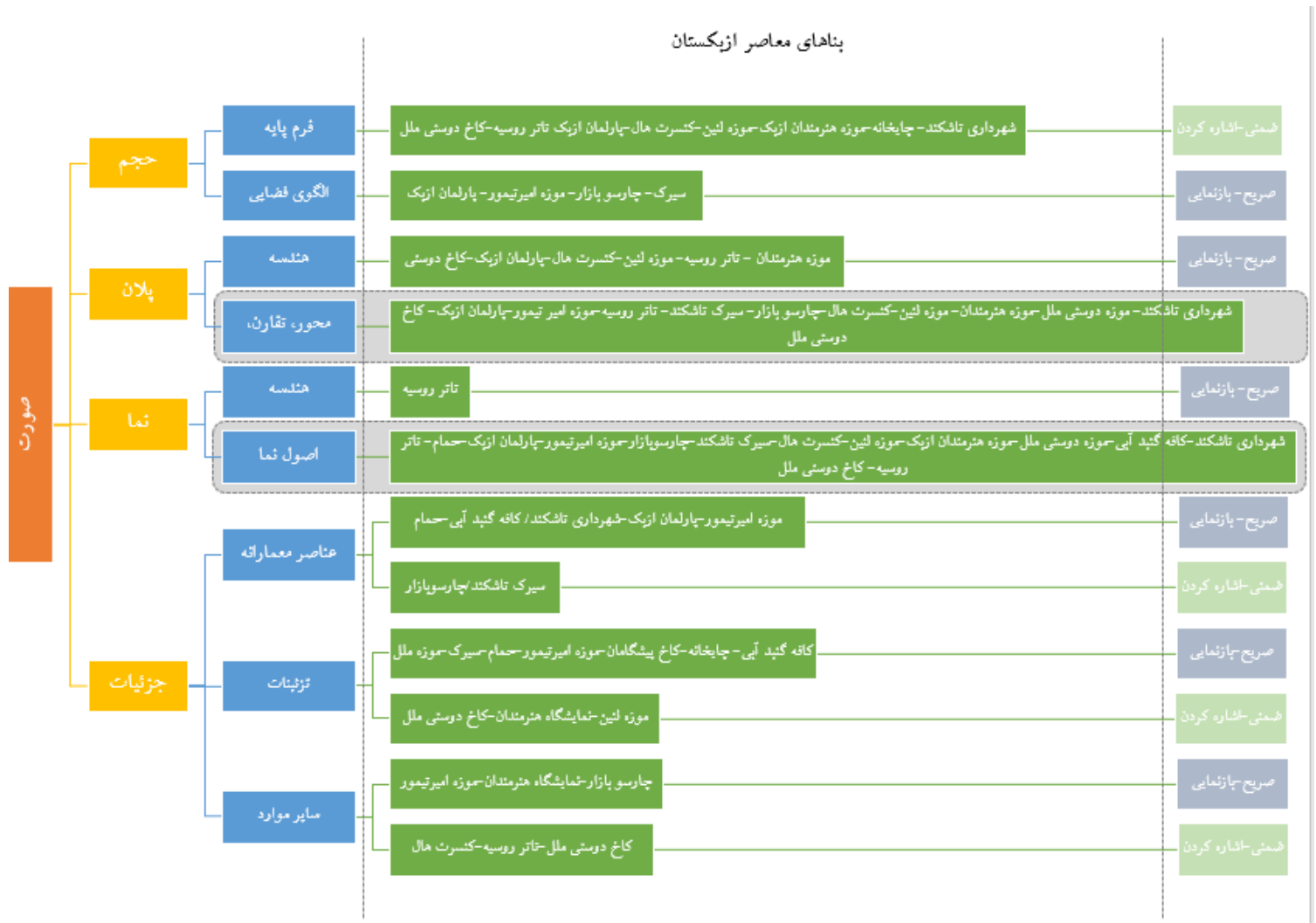
- نکته حائز اهمیت دیگر این است که اولویت در ارتباط با لایه‌های نماست. به این ترتیب در هر سه کشور بیشترین ارتباط بینامتنی مربوط به لایه‌های خواص ذاتی نماست.

- درنهایت به نظر می‌رسد بناهای عمومی معاصر با تلاش برای ترکیب و استفاده از بیش از یک لایه از متن (آثار معماری تیموری) برای برقراری ارتباط، به ارتباط بینامتنی قوی نزدیک‌تر شده‌اند.

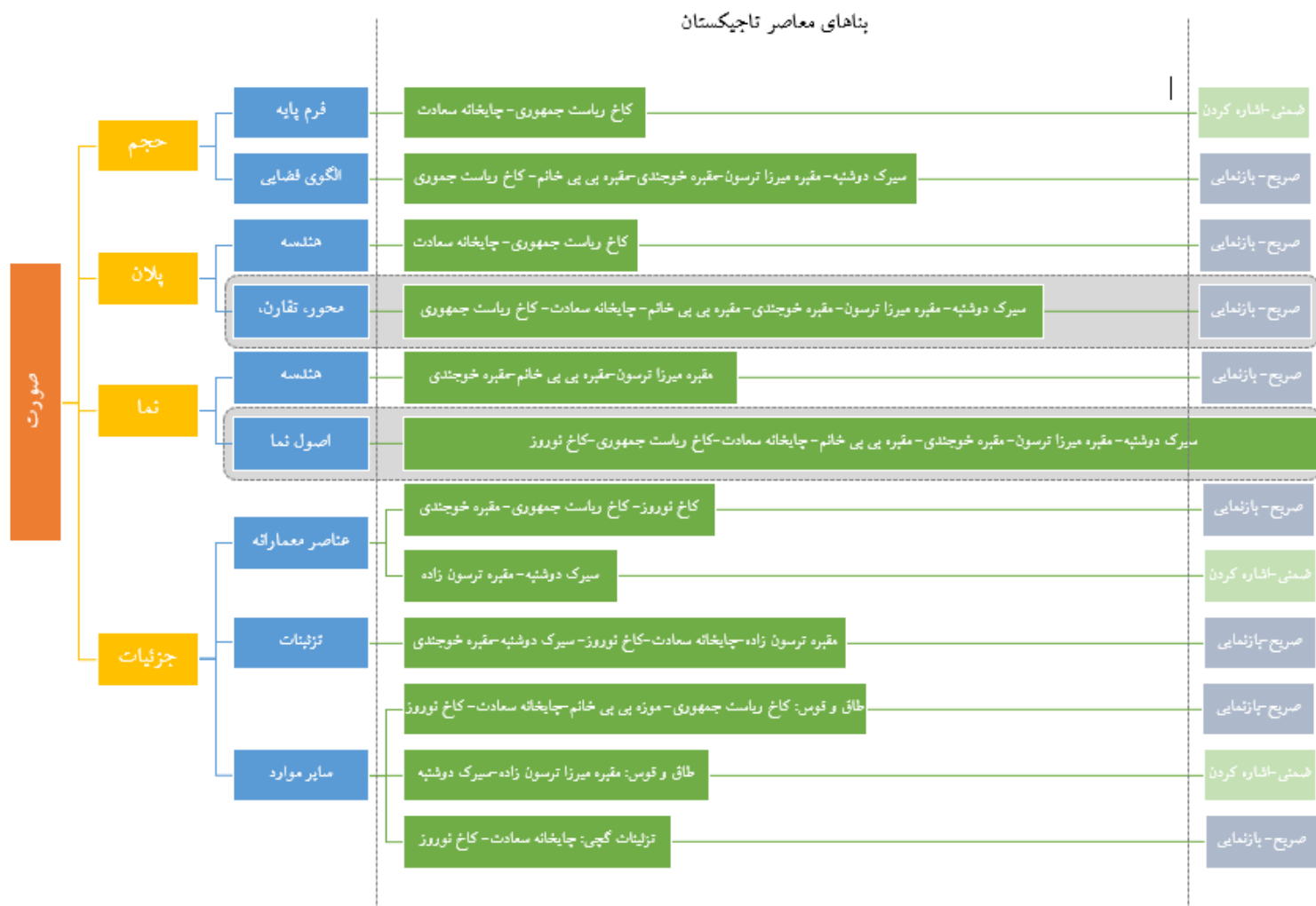
در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

تلاش برای برقراری مکالمه میان آثار معماری معاصر در سه کشور مورد مطالعه (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان) با آثار سنت معماری تیموری برقرار است. (پاسخ به پرسش اصلی پژوهش)

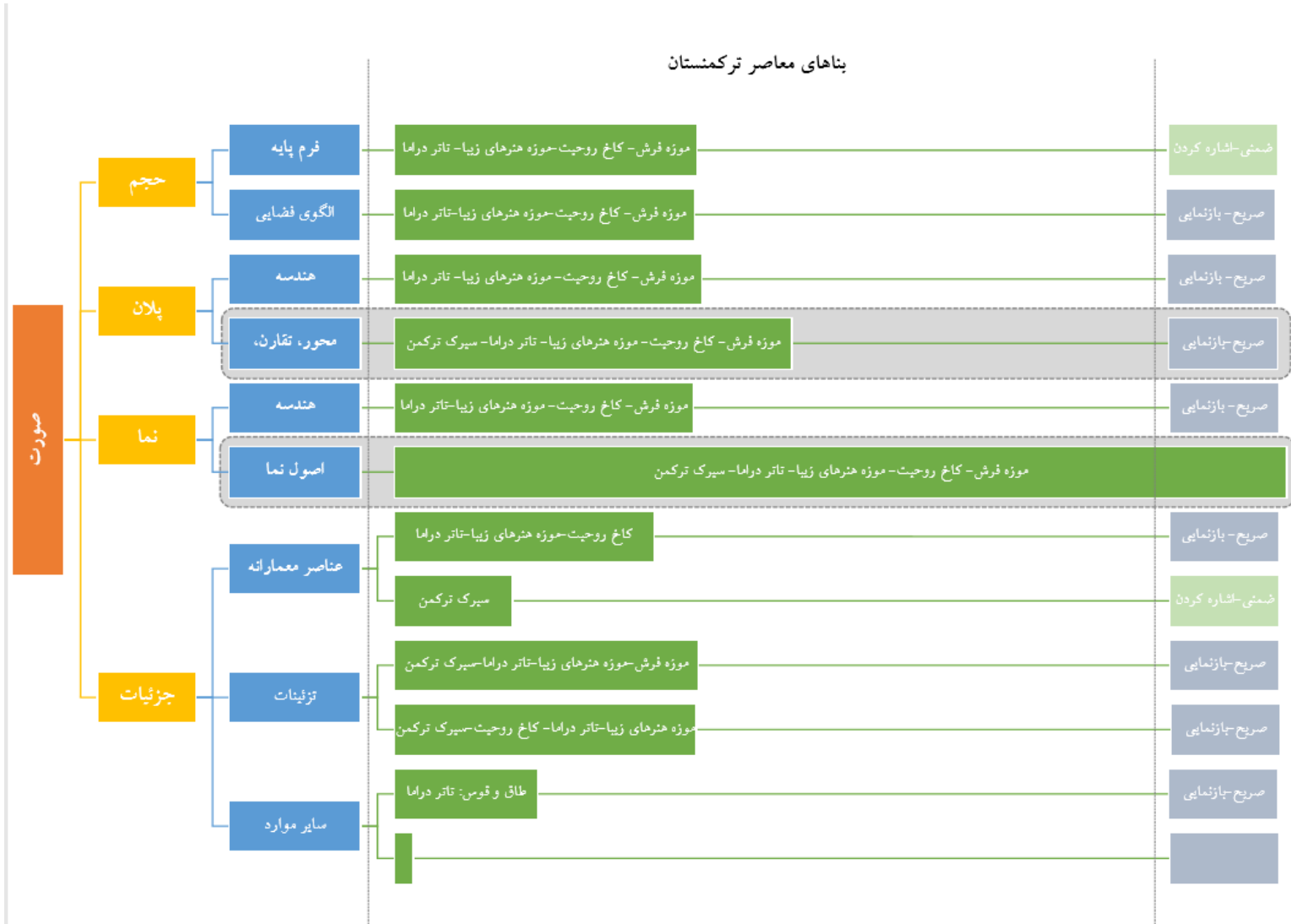
نمودار ۴، ارزیابی چگونگی ارتباط بینامتنی میان آثار معماری معاصر با سنت معماری تیموری در ازبکستان



نمودار ۵، ارزیابی چگونگی ارتباط بینا متنی میان آثار معماری معاصر با سنت معماری تیموری در تاجیکستان



نمودار ۶، ارزیابی چگونگی ارتباط بینامتنی میان آثار معماری معاصر با سنت معماری تیموری در ترکمنستان



منابع:

کتاب‌ها:

- اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). *معماری تیموری در خراسان*، ترجمه علی آخشینی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای در روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چاپ سوم، تهران: نشر دیدار.
- بلنیتسکی، الکساندر. (۱۳۷۱). *خراسان و ماورالنهر (آسیای میانه)*، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: دانشکده علوم توانبخشی.
- چنکووا، گالینا آپوگا. (۱۳۸۷). *شاهکارهای معماری آسیای میانه، سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی*، سید داوود طبایی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ نوزدهم، تهران: سمت.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۵۵). *هنر عهد تیموریان و متفرعات آن*، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- روحی، پویان. (۱۳۹۵). *تئوری معماری معاصر، جستارهای انتقادی*، مشهد: کتابکده کسری.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر آگه.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مانزو، ژان پال. (۱۳۸۰). *هنر در آسیای مرکزی*، مترجم سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، چاپ اول، مشهد: انتشارات به نشر.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱*، چاپ دوم، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه و کاربردها*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۵). *بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*، چاپ اول، تهران: سخن.
- وزارت امور خارجه، ازبکستان. (۱۳۸۶). *تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه*.
- ورهام، غلامرضا. (۱۳۷۲). *تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی*، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت اله افسر، محمد یوسف کیانی، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

مقالات

بارت، رولان. (۱۳۷۳). «از اثر تا متن»، ترجمهٔ مراد فرهادپور. ارغنون، شمارهٔ ۴، زمستان، صص. ۵۷-۶۶.

دانشدوست، یعقوب. (۱۳۵۹). «هنر معماری ایران در دورهٔ تیموریان»، شمارهٔ ۱، صص. ۹۱-۱۰۲.

عابدی، محمد و سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۳). «تعامل میان سنت و مدرنیته در معماری معاصر کشورهای حاشیه خلیج فارس: نمونه موردی امارات متحده عربی»، مجله بین‌المللی تحقیقات در علوم اجتماعی، شمارهٔ ۱، صص. ۲۴-۳۴.

نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «تأملی بر نظریه بینامتنیت رولان بارت»، روزنامه ایران.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۷). «باختین، گفتگومندی و چندصدایی، مطالعهٔ پیشابینامتنیت باختین»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شمارهٔ ۵۷، بهار، صص. ۳۹۷-۴۱۴.

هیلبرنند، رابرت. (۱۳۸۷). «جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه»، ترجمه داوود اطیابی، گلستان هنر، شمارهٔ ۱۴، صص. ۶۵-۸۲.

پایان‌نامه‌ها

قاسمی‌نیا، مازیار. (۱۳۹۳). تبیین ارتباط‌های بینامتنی در معماری معاصر ایران از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰، رساله دکتری، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

منابع انگلیسی (کتاب‌ها)

- Adle, C. (2005). *History of civilizations of central Asia, volume VI, towards the contemporary period, from the mid nineteenth to the twentieth century*, paris, the United Nations Educational, Scientific and Cultural.
- Akhmedov, M, K, D, A. (2015). Nazarova, *The Ways of the Development of Architecture of Independent Uzbekistan*, International journal of scientific & technology research, Volime 4, Issue 03.
- Herrmann, G., Coffey, H., Laidlaw, S., & Kurbansakhatov, K. (2002). *The Monuments of Merv-A scanned archive of photographs and plans*.
- Kenes, P. (1999). *A history of the Soviet Union from the beginning to the end*, London, Cambridge university press.
- Kimberly, E. Z. (1960). IS (2014). *Architecture in Eastern Europe and the Former Soviet Union. IS University, A Critical History of Contemporary Architecture, 1960–2010, IowaState University, department of architecture, architecture publication*.
- Knobloch, E. (2001). *Monuments of Central Asia: a guide to the archaeology, art and architecture of Turkestan. (No Title)*.
- Lapidus, I. M. (2014). *A history of Islamic societies*. Cambridge University Press.

- Marboe, I. (2012). Soviet Modernism. *Architekturzentrum Wien, Vienna*.
- Paskaleva, E. (2013). The cityscape of modern Central Asia. *The Newsletter*, 66.
- Ritter, K., & Wien, A. Z. (2012). Soviet modernism 1955-1991: unknown history. (*No Title*).
- Pribytkova, A. M. (1971). *Masterpieces of architecture in central Asia*. Planeta.
- منابع انگلیسی (مقالات):
- Gangler, A. (2012). Tashkent in change. *Transformation of the urban structure, Research Project Promoted by The VW Stiftung*.
- Lewis, R. A., Rowland, R. H., & Clem, R. S. (1975). Modernization, population change and nationality in Soviet Central Asia and Kazakhstan. *Canadian Slavonic Papers*, 17(2-3), pp. 286-301.
- Manoev, S. (2015). Formation of Architectural Ensembles and Complexes of Historic Towns of Uzbekistan. *International journal of scientific & technology research*, 4(03).
- Warikoo, K. (2005). Tradition and Modernity in Uzbekistan, Journal of himalayan research avd culture foundation, Ngo in Special Consultative Status with ECOSOC, United Nations, Vol 9, Nos.1-2.